

در باب تئاتر و زندگی روزمره

درام نوعی ستیز حافظه و فراموشی است



سید حسین رسولی

ما این روزها شاهد تئاتر هایی هستیم که اغلب به شدت فرمالیستی هستند و تنها دغدغه های شخصی مولفان را آشکار می کنند این موضوع خیلی عجیب است و باید تحلیلی جدی در مورد آنها صورت بگیرد. از سوی دیگر، شاهد نمایش هایی اخته و دست و پا شکسته هستیم که ادعای انتقادی بودن دارند ولی از نظر شکل و فرم و محتوا به شدت عقب مانده هستند و گاهی علیه خود کار می کنند. این روزها نمایش های مختلفی چون «فتم سیگار بخرم...» به کارگردانی باقر سروش، «پونز» به کارگردانی صحرا فتعی، «بیگانه در خانه» به کارگردانی سید محمد مساوات و... دیدیم که باعث ایجاد پرسش های جدی برای ما شده است؛ زیرا اعتقاد درام تئاتر از زندگی روزمره جدا نیست.

**سیاست خوانش؛
ایستادن در میان صف ها**

همیشه در هنر دو نظریه در برابر یکدیگر صف آرای می کرده اند که یکی مربوط به فرمالیست ها و اندیشه «هنر برای هنر» می شود و دیگری هم صف اندیشمندان انتقادی است که به زندگی روزمره توجه می کنند. و یکتور

شکلوفسکی از فرمالیست های روس می گوید: «هنر همواره از زندگی مستقل بوده، و رنگ آن هیچ گاه با پرچم پاروی شهر هم رنگ نبوده است». بر خلاف این نظر، میلان کوندرا، نویسنده چک تبار در صف دیگری ایستاده زیرا که «هیروک» یکی از شخصیت های کتاب «خنده و فراموشی» به نویسندگی او می گوید: «ستیز با قدرت، ستیز حافظه با فراموشی است». جایی از محمدعلی سپانلو، نویسنده و مترجم ایرانی هم نقل شده است که «یکی از وظایف ادبیات، مبارزه با فراموشی است». به هر حال هر دو نظریه حاضر هستند و هر دو به کمک افکار گروه های خاص می آیند. نمایش نامه نویسی چون برتولت برشت بودند که از طریق آثار خود به زندگی روزمره و مسائل اجتماعی و تجربه زیسته واکنش نشان می دادند و نویسندگانی چون ساموئل بکت نیز دست به ساختار زایی و اسطوره سازی زدند. کتاب «مینیوی خرد»، اندرز نامه ای باستانی و ایرانی است که افزون بر پند های نیکو و اندرز های دینی، دانستی هایی درباره آفرینش، رویدادهای اسطوره ای و رستاخیز را در خود دارد. این نوشته دارای یک دیباچه و ۶۲ پرسش و پاسخ است. پرسش ها را شخصیتی خیالی به

نام دانمی پرسد و پاسخ ها را هم «مینیوی خرد» (روح عقل) می دهد. این کتاب به کوشش احمد تقضلی به زبان فارسی اکنون برگردانده شده و در پرسش دهم آن آمده است: «پرسید دانا، مینیوی خرد که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟ مینیوی خرد پاسخ داد خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد». بنابراین، مسئله خرد، نیکی و هنر از دیرباز رابطه ای جدی داشتند.

علیه فرمالیسم خشک و خالی
هگل، فیلسوف آلمانی سه دوره نمادین، کلاسیک و رمانتیک را در رابطه با هنر مطرح می کند که جالب است هر سه دوره به موضوع «جان و شکل» می آیند. نمایش نامه نویسی چون برتولت برشت بودند که از طریق آثار خود به زندگی روزمره و مسائل اجتماعی و تجربه زیسته واکنش نشان می دادند و نویسندگانی چون ساموئل بکت نیز دست به ساختار زایی و اسطوره سازی زدند. کتاب «مینیوی خرد»، اندرز نامه ای باستانی و ایرانی است که افزون بر پند های نیکو و اندرز های دینی، دانستی هایی درباره آفرینش، رویدادهای اسطوره ای و رستاخیز را در خود دارد. این نوشته دارای یک دیباچه و ۶۲ پرسش و پاسخ است. پرسش ها را شخصیتی خیالی به

نام دانمی پرسد و پاسخ ها را هم «مینیوی خرد» (روح عقل) می دهد. این کتاب به کوشش احمد تقضلی به زبان فارسی اکنون برگردانده شده و در پرسش دهم آن آمده است: «پرسید دانا، مینیوی خرد که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟ مینیوی خرد پاسخ داد خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد و هنری که خرد با آن نیست، آن را هنر نباید شمرد». بنابراین، مسئله خرد، نیکی و هنر از دیرباز رابطه ای جدی داشتند.

هگل، فیلسوف آلمانی سه دوره نمادین، کلاسیک و رمانتیک را در رابطه با هنر مطرح می کند که جالب است هر سه دوره به موضوع «جان و شکل» می آیند. نمایش نامه نویسی چون برتولت برشت بودند که از طریق آثار خود به زندگی روزمره و مسائل اجتماعی و تجربه زیسته واکنش نشان می دادند و نویسندگانی چون ساموئل بکت نیز دست به ساختار زایی و اسطوره سازی زدند. کتاب «مینیوی خرد»، اندرز نامه ای باستانی و ایرانی است که افزون بر پند های نیکو و اندرز های دینی، دانستی هایی درباره آفرینش، رویدادهای اسطوره ای و رستاخیز را در خود دارد. این نوشته دارای یک دیباچه و ۶۲ پرسش و پاسخ است. پرسش ها را شخصیتی خیالی به

درک و دریافت آنها باید جدا از «غرض» و «دل بستگی» صورت پذیرد. همین قاعده در مورد طبیعت نیز جاری است. افزون بر این یکی از شرط های اساسی حکم زیباشناختی، تاکید بر فرم است. البته گروهی فرمالیست دیگر چون کلاویو بل و راجر فرای هستند که به «ویژگی های فرمال» علاقه دارند. کلاویو بل نظریه «فرم معنادار» را مطرح کرد و مدعی شد پیوندی عمیق میان عناصر و روابط فرمی و احساس زیباشناختی وجود دارد. فرم در اینجا به عنوان یک مولفه بنیادین و اصلی مورد تاکید و اهمیت قرار گرفته است. راجر فرای و کلاویو بل، نظریه کانت در مورد فرم را به طور ضمنی مورد تردید قرار داده و به همین دلیل تعبیر «معنادار» را به فرم افزودند. ریچارد ولپهایم در کتاب خود در باب «فرمالیسم و انواع آن» یاد آور شد که دوتنوع فرمالیسم وجود دارد یعنی «فرمالیسم پنهان» و «فرمالیسم آشکار». فرمالیسم آشکار می گوید فرم ضروری اثر تصویری را نمایان سازد. تحلیل و بررسی نویسنده ای چون ارن لوران از ترکیب بندی های بل سزان، در زمره مصداق های نگاه فرمالیستی آشکار قرار دارد. بر خلاف آن «فرمالیسم پنهان» در اغلب موارد در جستجوی هویت زبانی است. بر این اساس، سامانی را در چارچوب تصویری پیدا کرده و فرم را در راستای چنین نظامی تبیین می کند. یکی از نقدهای مهمی که به نظریه فرمالیسم وارد شده این است که پدیده های دیگری هم به غیر از آثار هنری هستند که دارای فرم معنی دار هستند. برای مثال یک سخنرانی های سیاسی به خوبی می توانند وارد حوزه فرم معنادار و حتی اجرا شوند. اینجا است که تئاتر و اجرا فرم گرایی افراطی دوری می شوند. حتی پدیده هایی چون کنسرت موسیقی هم می توانند «اجرای در برابر تماشاگران» باشند و از قضا آثار فنون دراماتیک نیز بهره ببرند. آیا اگر ما با مفاهیم فلسفی، ادبی، دینی، اسطوره ای، تاریخی و... آشنا نباشیم قادر خواهیم بود با نمایش نامه هایی چون «دشمن مردم» به نویسندگی هنریک ایبسن و «در انتظار گودو» به نویسندگی ساموئل بکت و حتی داستان های فودور داستایفسکی رابطه ای مناسب برقرار کنیم؟ راسکولنیکف، شخصیت

اغلب تئاتر های ایرانی دچار تعین چند جانبه هستند، ولی بیش از هر زمان دیگری از جامعه دور شده اند و حتی به سوی نوعی فرمالیسم آشکار و دغدغه های شخصی رفته اند. این اجراها پس از پایان در تماشاخانه در انباری حافظه دفن خواهند شد

محوری رمان «جنایت و مکافات» مدام به اندیشه های فلسفی و دینی موجود در ذهن خود اشاره می کند که قاعدتاً این اندیشه ها از تجربه زیسته داستایفسکی و جامعه ای که در آن می زیسته سرچشمه می گیرد. تماشاگران در درام، تئاتر و اجرا مدام در برابر ستیز اندیشه ها و آرای مختلف قرار می گیرند. شخصیت های محوری آثار دراماتیک در بزنگاه های سرنوشت ساز قرار دارند و سر دوراهی های اخلاقی زیسته می کنند و قطعاً باید انتخاب کنند، حتی به گفته هگل میان دو «حق اخلاقی» قرار می گیرند؛ در واقع، درام نوعی ستیز حافظه و فراموشی هم است.

تعین چند جانبه آلتوسری

لویی آلتوسر، فیلسوف فرانسوی تاکید فراوانی روی مفهوم «تعین چند جانبه» دارد. بر همین اساس لوک فرتر می نویسد: «به اشعار سسیلویا پلات بازگردیم. اهمیت نظریه جامعه آلتوسر برای نقد آثار پلات در همین آ توجه به تعین چند جانبه است. نخست آنکه، این اثر به منزله محصولی از تولید ادبی نوعی خود مختاری نسبی از موقعیت اقتصادی ای دارد که در آن تولید شده... دوم، گستره وسیعی از عوامل اجتماعی نیز بر شعر او تأثیر گذارند... کار سسیلویا پلات تحت تأثیر آیدئولوژی جنسیتی دهه ۱۹۵۰ بوده است». اغلب تئاتر های ایرانی دچار تعین چند جانبه هستند ولی بیش از هر زمان دیگری از جامعه دور شده اند و حتی به سوی نوعی فرمالیسم آشکار و دغدغه های شخصی رفته اند. این اجراها پس از پایان در تماشاخانه در انباری حافظه دفن خواهند شد.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
toseirani.ir

اخبار نمایش

انتشار فراخوان چهارمین فصل از پروژه «چهار فصل تئاتر ایران»



دقت مطالعات و پژوهش های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری فراخوان چهارمین فصل از دور نوین پروژه جامع ملی آموزش درام نویسی کشور با عنوان «چهار فصل تئاتر ایران» را منتشر کرد. چهارمین فصل این پروژه در حوزه «تذکره ای - زندگی نامه ای» (Biogeraphical) شهدایی است که در طول سال ۱۳۵۹ تا کنون در رده شهدای راه مقاومت قرار گرفته اند. طبق فراخوان لازم است این آثار پیش از این در جایی چاپ یا اجرا نشده باشند. همچنین از نویسندگان خواسته شده است از شعار زدگی که به شاکله متون آسیب زند اجتناب کنند. همچنین این مرکز متعهد شده است در صورت پرداختن نویسنده به زندگی «سردار شهید قاسم سلیمانی» و احراز صلاحیت کیفی توسط اعضای هیات علمی این فصل از پروژه، بر خلاف تعریف دور نوین پروژه، استثناً علاوه بر چاپ، از تولید آن اثر در استان خودش حمایت به عمل آورد. علاقه مندان می توانند ایده های بسیار کوتاه خود را در پاسخ به فراخوان این دوره، به نام «شهدای مقاومت»، که شامل نام شهید و بخش قابل اعتنای زندگی اش که مدنظر نویسنده است، تا پایان دهه فجر (۲۲ بهمن ۱۳۹۸) از طریق Sahnemagazine@yahoo.com یا به دبیرخانه این پروژه - دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری - ارسال دارند.

دعوت دبیر «تئاتر فجر» از همه هنرمندان تئاتر



نادار برهانی مرند دبیر سسی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر خطاب به اهالی هنر تئاتر یادداشتی منتشر کرد. این متن پس از انصراف برخی از هنرمندان از جشنواره تئاتر فجر منتشر می شود. برهانی مرند در نامه خود پس از بیان همدردی خود با رویدادهای اخیر و ارتباط آن با مفاهیم شادی و غم نوشته است «روزهای سختی است برای همه ما مردمی که در سوگ عزیزان نشستیم و بی حقی کیست که از عمق جان لمس نکرده باشد اندوه و التهایی را که بر قلب و جان همگی ماسیه انداخته است؟ اگر ما بیش از هموطنان غم خوار و هموطنان هنرمندان، پریشان و غم گسار نبوده باشیم، کمتر از ایشان خون به دل و اشک بر دیدگانمان نیست و عجب است اگر زمانی که احساس نجیب همدردی انسانی در لحظات سخت به جای گشودن آغوشی از مهر و نگاهی تسلی بخش به بغضی بدل شود که رشته های پیوندمان را بگسلد و خط فرعی از جدایی و روبرویی را میان ما بکشد. وی سپس با اشاره به موضوع جشنواره و در دلایلش، آن را امری انسانی بر شمرد و اضافه کرد «دیگر بار صمیمانه و همدلانه از شما خواهش می کنم که افتراق های ناچیزمان را کناری بگذاریم و در خانه خویش بمانیم، یقین بدانید همه ما یک آرمان مشترک بزرگ داریم: اعتدالی فرهنگ و هنر این مرز و بسوم و خدمت به مردمان نجیب و روح دیده کشور عزیزمان.»

اجرای نمایش «آرزوهای یک موش کور» در مرکز تئاتر کانون

نمایش «آرزوهای یک موش کور» نوشته سعید ابیکو کارگردانی وحید نفر ویژه کودکان ۵ تا ۱۲ سال است و هنرمندانی همچون خالق استواری، سعید ابیکو، علی باروتی و هدی حاج طاهری در آن ایفای نقش می کنند. این نمایش صبح چهارشنبه ۱۷ شهریور ماه ویژه مدرسه و مهد کودک کدک و عصر سه شنبه ۱۷ شهریور ماه ویژه مدرسه و مهد کودک کدک در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در پارک لاله اجرا می شود. در خلاصه این نمایش آمده است: در یک شب مهتابی، موش کور کوچکی تصمیم می گیرد از خانه اش در زیر زمین بیرون برود و در پی آرزویش که دیدن خورشید است برود. در مسیر خود با حیوانات جنگل روبه رو شده و ماجراهای شگفت انگیزی برای موش کور اتفاق می افتد. علاقه مندان می توانند برای تماشای این نمایش بلیت آن را از پایگاه تیتال و یا شماره تلفن ۰۹۱۰۶۲۹۶۷۱۹ تهیه کنند.

جهان هنر همواره پیشبازی می کند. هنرمند پیش بینی می کند، او دیوانه های آینده را افشا می کند. خطر ظهورشان را بر جسته می کند. می گوید چه می شود اگر مجنون دستش به آن دکمه قرمز برسد. مثل فیلم های هالیوودی که رئیس جمهور آمریکا، چه سفید و چه سیاه، تنها راه نجات خود را فشردن یک دکمه سرخ رنگ می داند، دکمه ای که پای موشک ها و بمب ها و راکت ها را به میان می کشد و شاید بخش مهمی از جهان را محو کند؛ بدون آنکه مشخص باشد یک محو کردن عاقبتش چه می شود. چیزی شبیه آن سکانس نهایی «دکتر استرنج لائو»، آن فرمانده گلوچران که برعکس پشت بمب اتمی نشست است و کلاهش را می چرخاند.

حالا در نمایش سارا افشار این جنون دراماتیک می شود. وضعیت به تصویر کشیده می شود. با تمام ضعف های نمایش، با وجود دراماتورژی ناقصش، با وجود عدم توازن در چینش بازیگران و حتی با وجود ضعف آشکار میز آنسن ها و دکور چشم خراش نمایش، «اختراع والس» این روزها به یک پیش بینی می ماند. اینکه چگونه در جامعه مدعی خرد و اندیشه، در دام جنون جانان می شود، جانی که ظاهرش آرام و متین است، حتی ادیبانه سخن می گوید؛ اما و ملول از عقده است. عقده های به ظاهر ساده ای که بشریت را نشانه می گیرد، مانع چون آدم های نمایش گویی در برابر چنین مجانی قرار گرفته ایم، مجانی که اسلحه ز یادارند و تیک آبی، این روزها بیشتر خطر حس می شود، خطر آدم هایی که بی هیچ دانشی انگشت بر ماشه سلاح های گران قیمت نهاده اند.



در نمایش و ترامپ در جهان واقع از خود نشان می دهند. والس با دست مایه قرار دادن اختراع پسر عمویش، کسی که هیچگاه و رانمی بینیم و هرگز در نمی یابیم کجاست، تراژدی دهشتناکی رقم می زند. یک دنیا پرورد شده که در آن شامنی تو انبیا میدی به بودن داشته باشید. در آن سو، ترامپ، با دست مایه قرار دادن اختراعات دیگران، از اسلحه های گرم تا فضای تعاملی به نام توییتر، بهره می برد تا بگوید قدر تمند است. او همه چیز را از آن خود می داند. مثل این توییتر ترامپ که از زادخانه رشک بر انگیز و هزینه سه سام آوزش می گوید که می تواند چون اسباب بازی در دست کودکی چند ساله، هر هدفی را نبود کند. با آنجا که می گوید ۵۲ قطعه از جمله اماکن ملی و فرهنگی ایرانیان را منهدم می کند. اینها همگی شبیه به رفتار والس است. او هم کوهی را می زند که نماد پایتخت است، روستاها و شهرها را محو جزایر را از صفحه روزگار پاک می کند.

ترامپ ارائه می دهد. دیوانه ای که خودش را صاحب سلاحی عجیب و قدرتمند می داند و خیال می کند با این سلاح می تواند جهان را در سیطره خویش قرار دهد. «اختراع والس» نوشته ولادیمیر ناباکوف، نویسنده شهیر روس، داستان شخصیتی به نام سالواتور والس است که مدعی داشتن دستگاه هولناکی است، دستگاهی که می تواند هر عنصری در زمین را محو کند. او در برابر دیدگان وزیر دفاع کشورش، کوه زیبایی را نابود می کند و نشان می دهد قدرت تخریب جهان را در دست دارد. او در قبال انفعالش، خواهان همه چیز است. او می خواهد همه دنیا از آن بوابد، همانطور که از زمان ورودش هر چیزی را متعلق به خود می داند؛ حتی اشعار سروده شده توسط زنی چاق یا اسباب بازی روی میز. گویی از گذشته تا به امروز هر چه پدید آمده از آن اوست. او که با آرمشی عجیب وارد عرصه شده است، ناگهان به هیولایی چند سر بدل می شود که می خواهد جهان را ببلعد. زیاده خواهی او عجیب است. او جهان را آشفته می کند و در عسرت نوع بشر قصد سفر به جزیرهای ناشناخته می کند. او جهان را در هراس خویش نگاه می دارد تا شاید در میان آسودگی مکان، تن آسایی کند. متن ناباکوف را سارا افشار چندی پیش روی صحنه می برد. نمایشی که به ظاهر وفادار به متن، با بازی حسن معجونی در نقش اصلی، تلاش می کند تصویری لا مکن و لازم از جهان والس به نمایش بگذارد. والسی که سلاحی خطرناک در دست دارد و می تواند جامعه بشری را زیر سیطره خود قرار دهد. فارغ از کیفیت اثر افشار آنچه نمایش را بر جسته می کند، رویه ای است که والس



در باب نمایش اختراع والس

جانان و مجنونان

در کتاب تاریخ بی خردی آمده که جان آدمز، دومین ریاست جمهوری آمریکا گفته است در حالی که همه علوم دیگر پیشرفت کرده است، علم حکومت متوقف مانده و امروز بهتر از سه پیش چهار هزار سال پیش اعمال نمی شود. حتی برخی بر این باورند علم سیاست نتوانسته رفتارهای متناسب با روز بشر داشته باشد. وضعیت آشفته این روزها به نوعی گواهِ بر این مسأله است. در جهانی که اختراعات و اکتشافات سرعت خیره کننده ای یافته اند، سرعت علم سیاست منفی است. حالا در روزهایی که هر دم با یک توییست دونالد ترامپ در شکل قدرتمندش و یا سیاستمداران شناخته شده در شکل ضعیف ترش، وضعیت جهان دستخوش تغییر می شود، بیش از هر زمانی یکی از نمایش های نه چندان دیده شده در تهران جذاب می شود. در حالی که آخرین نوشته های ترامپ مصداق تورویسم بر شمرده می شود و فعالان فضای مجازی او را با شخصیت دکتر استرنج لائو استنلی کوپر یک مقایسه می کنند؛ بیخ گوشت در تهران نمایشی روی صحنه می رود که تصویری کاملاً آشنای